

توسعه اقتصادی مالزی و همگرایی قومیت‌ها

درباره مالزی

مالزی کشوری در جنوب شرقی آسیا و پایتخت آن کوالالامپور است. سازمان‌های دولتی و وزارتخانه‌های این کشور در شهر جدید پوتراجایا (پایتخت اداری) این کشور واقع است. این فدراسیون شامل سیزده ایالت در جنوب شرقی آسیا است. نام «مالزی» زمانی انتخاب شد که فدراسیون مالیا؛ سنگاپور، صباح و ساراواک یک اتحادیه متشکل از ۱۴ ایالت را تشکیل دادند. در سال ۱۹۶۵ سنگاپور از مالزی جدا شد و به کشوری مستقل تبدیل گردید.



تقسیمات کشوری

مالزی دارای ۱۳ استان است
و استاندار هر استان را
اصطلاحاً «شاه» می‌نامند.

جغرافیا

کشور مالزی در جنوب شرقی آسیا واقع شده و از لحاظ جغرافیائی از دو قسمت کاملاً جدا تشکیل شده. میان ۱ تا ۷ درجه عرض شمالی و ۱۰۰ تا ۱۱۹ درجه طول شرقی قرار دارد.

منابع طبیعی

مالزی به‌خوبی از منابع طبیعی در نواحی خود برخوردار است همچون کشاورزی، جنگلداری و نیز مواد معدنی.

از لحاظ کشاورزی، مالزی اولین صادرکننده پلاستیک طبیعی (کائوچو) و خرما روغنی است که همراه آن الوارها و تنه‌های بریده‌شده درختان، کاکائو، فلفل سیاه/فلفل، آناناس و تنباکو (توتون) موجب رشد این بخش شده است. خرما روغنی، نیز یک جنس عمده صادراتی خارجی است.

جاذبه‌های گردشگری

شبه‌جزیره مالزی به سبب داشتن سواحل بی‌شمار و گوناگون در بخش‌های مختلفش، یکی از بزرگ‌ترین و مهم‌ترین مکان‌های غواصی در دنیا شمرده می‌شود. محدوده ساراواک به سبب داشتن آب‌های شفاف و گوناگونی ماهی‌ها از زیباترین جاذبه‌های مالزی به شمار می‌رود.

طبیعت زیبا و استوایی مالزی مکان‌های متعددی را برای گردشگران علاقمند به طبیعت ارائه می‌کند. تانان نگارایا جنگل ملی مالزی از قدیمی‌ترین جنگل‌های جهان به شمار می‌رود.

ماهاتیر محمد

ماهاتیر بن محمد (زاده ۱۰ ژوئیه ۱۹۲۵) از ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۳ چهارمین نخست‌وزیر مالزی بود.

او مورد تحسین‌ها و انتقادهای بسیاری واقع است و از شخصیت‌های جنجالی سیاست جهان است.

برای مثال بسیاری او را به علت نقشش در مدرن‌سازی سریع مالزی و رشد رفاه در این کشور تحسین می‌کنند. دولت مالزی مدعی است که فقر در زمان ماهاتیر از ۵۰ درصد به ۶ درصد کاهش یافته است.



مالزی به روایت آمار و ارقام

هم‌چنین از سال ۲۰۰۰ تاکنون این کشور تورم متوسط کمتر از ۳ درصد را تجربه کرده و تولید ناخالص داخلی این کشور از ۲۴ میلیارد دلار در ۱۹۸۰ به حدود ۲۰۰ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ رسیده است. همچنین صادرات این کشور از ۱۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۸۰ به ۱۶۱ میلیارد دلار در سال ۲۰۰۵ رسیده و هم‌اکنون مازاد صادراتی بیش از ۳۰ میلیارد دلاری دارد.

موفقیت مالزی

به‌طور کلی سه عامل مهم را می‌توان در موفقیت مالزی سهیم دانست

- ✓ برنامه‌های توسعه اقتصادی اجتماعی منطقی و پایدار.
- ✓ دستگاه اداری مدرنیزه حساس به رهبری سیاسی و نیازهای مردمی
- ✓ سیستم برنامه ریزی، نظارت و ارزیابی.

مذاکره به جای جنگ

مالزی قبل از دوران اخیر تحت استعمار انگلیس اداره می‌شد. دولت بریتانیا برای سرنوشت و منابع مردم این کشور تصمیم می‌گرفت. اما زمانی که ملت مالزی تصمیم گرفت از یوغ استعمار رهایی یابد بر احساسات و کینه‌های خود غلبه کرده و با نوعی عقلانیت و تعادل راهی متفاوت از سایر ملل در پیش گرفت و از همین استعمارگران برای توسعه کشورش بهره جست. ماهاتیر محمد در این باره چنین می‌گوید: «اگر ما استقلال را از طریق جنگ به دست آورده بودیم و جنگجویان راه آزادی، کارمندان و مدیران اداری را با زور و با لگد از کاخشان اخراج کرده بودند، دیگر این جنگجویان قادر به استقرار یک نظام اداری مطلوب برای کشور نمی‌شدند. ما استقلال خود را از طریق مذاکره به دست آوردیم. بنابراین به کارمندان عالی رتبه بریتانیا اجازه دادیم تا زمانی که مردم ما تحت آموزش هستند در پست‌های خود باقی بمانند.»

به این ترتیب آن‌ها از همان استعمارگران حرفه‌ها و فنون مختلف را آموختند و خود را برای اداره کشور آماده کردند تا زمانی که استقلال کامل به دست آوردند به درد چه کنم دچار نشوند.

تشکیل ائتلاف

اما برخلاف پیش بینی تحلیلگران، مالایی‌ها به جای ادامه درگیری و تعمیق کینه‌ها دست به تشکیل ائتلافی از احزاب هم پیمان زدند و این ائتلاف را به سرعت گسترش دادند تا احزاب مخالف نیز به آن پیوستند. سال ۱۹۷۰ گفتمان مسلط این شد که راه رهایی از وضعیت بحرانی را به نحوی که آرامش و عدالت برقرار شود بجویند. ماهاتیر محمد این مقطع را چنین توصیف کرده است: «شورش‌های نژادی به سرعت متوقف شد، ائتلاف‌های بزرگ طی جلساتی علنی ریشه‌ی شورش را نابرابری توزیع ثروت اقتصادی بین مردم بومی و غیربومی تشخیص دادند. همه شرکت کنندگان بر کاهش این فاصله، و اینکه تقسیم ثروت باید منصفانه‌تر باشد توافق کردند.»^۳

مقابله با بحران

اما علاوه بر استعمار، ترکیب نژادهای مختلف در مالزی نیز همواره یکی از مسائل تنش‌زا بوده است. مالایی‌ها که اهالی بومی مالزی بودند گرچه بالاترین جمعیت را داشتند اما به لحاظ اقتصادی و اجتماعی همواره تحت فشار بودند. در رتبه اول خارجی‌ها و بعد چینی‌ها بیشترین بهره‌را از اقتصاد و ثروت می‌بردند. این فاصله باعث شده بود میان این نژادها نوعی حسادت و کینه شکل بگیرد. این تضاد در یک انتخابات خود را نشان داد و به بحران تبدیل شد. ماهاتیر از آن بحران چنین یاد می‌کند: «در سال ۱۹۶۹ شورش‌های نژادی در کوالالامپور شروع شد. ظاهراً علت این شورش، تبلیغات فقیرانه مالایی‌ها در انتخابات و جشن بی‌فکرانه یک حزب چینی تبار به دلیل پیروزی در انتخابات بود. مالایی‌های تحت فشار، خشمگین و به ستوه آمده از فقر، به خروش آمدند و تعدادی چینی مورد اصابت چاقو قرار گرفتند. البته تعداد آن‌ها گرچه برای همیشه برای ما خیلی زیاد بوده است، اما به تعدادی هم که مطبوعات خارجی اعلام کردند نبود. با این حادثه همه پیش بینی می‌کردند کار مالزی دیگر تمام است. آن‌ها بر این عقیده بودند که مالزی برای همیشه از مسائل نژادی در رنج خواهد بود و مطلقاً از جهت اقتصادی پیشرفت نخواهد کرد. آن‌ها می‌گفتند مالایی‌ها که اکثریت مردم را تشکیل می‌دهند، چینی‌ها و هندی‌ها را تحت فشار قرار خواهند داد. به همین دلیل بسیاری از مردم مهاجرت خواهند کرد و مالایی‌های بدون صلاحیت قادر به اداره کشور نخواهند بود.»^۲

عقب ماندگی مسلمین

این رهبر مالزیایی در عین حال که پزشک است و در عرصه مدیریت اقتصادی هم تجربه بسیار خوبی از خود به جای گذاشته اما نسبت به مسائل اعتقادی جامعه‌اش نیز بی تفاوت نبوده و دست به تحقیق و پژوهش زده است. او تحولات فکری خود را در زمینه مذهب چنین توضیح داده است: «من مسلمان به دنیا آمدم، اما به مطالعه دینم پرداختم، چرا که تحصیل من در رشته پزشکی در ابتدا ایمان مرا تهدید می‌کرد. من از خودم سؤالات زیادی کردم که در دسرساز شد. علم با واقعیت‌هایی سر و کار دارد که به نظر می‌رسد اعتقادات خالص را خنثی و بلااثر می‌کند و با ایمانی که با آن

بزرگ شده بودم در تباین بود. آیا من باید یکی را به نفع دیگری مردود می‌کردم یا اینکه هر دو را مردود می‌کردم یا اینکه هر دو را قبول می‌کردم. من آدم‌های زیادی را می‌شناسم که اعتقاد دارند با فراگیری دانش مرتکب گناه شده‌اند و سعی دارند زیاده روی‌های علمی خود را از طریق نفی خود با انجام عبادات جدیدی که بسیاری سنگین و طاقت فرسا هستند یا با رد آموزش‌های علمی که کسب کرده‌اند، جبران کنند و از این طریق کفاره گناهان خود را بپردازند. اما مطالعات من در هر دو زمینه دین و علم مرا متقاعد کرده است که این دو با هم تطبیق پذیرند. آن‌هایی که تنها به آموزش علم دین مشغول‌اند، هرگز نمی‌توانند به قدرت قادر متعال و دین او پی ببرند...»^۴

ماهاتیر با توجه به دیدگاه خود به نقد نگرش‌های دینی تفرقه انگیز موجود دست زده و برخی از آن‌ها را موجب ضربه به منافع ملی می‌یابد؛ «امروز سنی‌ها و شیعیان هر دو به شکل حیرت انگیزی ادعای مسلمانی می‌کنند، اما شاهدیم که با یکدیگر می‌جنگند و یکدیگر را می‌کشند، چراکه هر کدام، دیگری را به مسلمان نبودن متهم می‌کنند. این درحالی است که جهان و غیرمسلمان‌ها این دو گروه را مسلمان می‌دانند و تفاوتی میان این دو قائل نیستند و هر دو گروه را به عنوان تروریست محکوم می‌کنند.»^۵

ماهاتیر همچنین به دیدگاه مسلمین نسبت به علم و دانش اشاره کرده و آن را عامل عقب ماندگی می‌شمرد؛ «زوال تمدن اسلامی همچنان ادامه دارد چرا که دانش‌های غیردینی مورد غفلت قرار گرفته‌اند یا ممنوع اعلام شده‌اند. از طرفی مطالعه در حوزه دین به تفاسیر متعددی منتهی شده است و امت اسلامی را به بخش‌ها و فرقه‌های زیادی تقسیم کرده است که اغلب با یکدیگر غریبه‌اند. علاوه بر ضعفی که از فقدان دانش سرچشمه گرفته است تجزیه امت اسلامی به دو گروه شیعه و سنی و دیگر گروه‌ها و فرقه‌های دینی نیز موجب چنین وضعی است.»^۶

«مسلمانان اولیه نه تنها به کسب آموزش‌های دینی می‌پرداختند، بلکه دیگر زمینه‌های دانش را نیز فرا می‌گرفتند. آن‌ها هیچ گاه نمی‌پرسیدند این دانش از کجا آمده است؟ فرقی نمی‌کرد که از سوی چه منابعی تأمین شده است؛ بت پرستان، مسیحیان یا یهودیان... به این ترتیب بود که آن‌ها پیشروان پزشکی، علوم، نجوم، دریانوردی، ریاضیات و سایر علوم بودند... اما بعدها تفسیرهای جدیدی از اسلام رایج شد که آموختن و کسب دانش، جز دانش دینی را محکوم می‌کرد... به اعتقاد آن‌ها سایر دانش‌ها ضروری نیستند و هیچ مزیتی برای انسان‌هایی که به دنبال آن‌ها هستند فراهم نمی‌کنند. این دانش‌ها بعدها متهم به دانش‌های سکولار و مخالف با دین شدند.»^۷

تفکرات اسلامی رایج

«در میان ما کسانی هستند که علاقه مند به دوری جستن از تغییر هستند تا موفقیت کنونی را حفظ کنند یا آن را به آنچه در گذشته بوده بازگردانند. برخی درصددند شرایطی را که به تصور آن‌ها در ۱۴۰۰ سال پیش وجود داشته است احیا کنند. آن‌ها بر این عقیده‌اند که می‌توان پاک و به دور از آلودگی‌هایی شد که با این تغییرات پدید آمده است. همان گونه که زندگی در انزوای مطلق غیرممکن است تلاش برای باقی ماندن در دوران حضرت پیامبر (ص) نیز غیرممکن است. بنابراین به جای چنین فکری بسیار بهتر است که تغییرات دوران را بپذیریم، خود را با آن همساز کنیم، آن را تعدیل کنیم و تغییرات را به نحوی مدیریت کنیم که مبانی و اصول اسلام محفوظ بماند.»^۸

«گفته می‌شود که اسلام مانع نوسازی و مدرنیزاسیون کشور است. این مطلقاً واقعیت ندارد. زمانی که اعراب جاهلی اسلام را پذیرفتند، ملت بزرگی شدند که تمدن اسلامی را ساختند؛ تمدنی که برای قرن‌ها بر تمدن اروپایی برتری داشت. اگر امروزه به نظر می‌رسد که اسلام مانع توسعه مدرن است دلیل آن تفسیرهای متفاوتی است که ما از اسلام داریم.»^۹

«ما عمیقاً اعتقاد داریم که اسلام دین تمام زمان‌هاست و تنها به قرن هفتم میلادی اختصاص نداشته است. تلاش برای بازگشت به قرن هفتم با این هدف که اسلام را پیاده کنیم، فروکاستن از ارزش دین کامل اسلام و اثبات این ادعاست که اسلام تنها مناسب شرایط بدوی قرن هفتم میلادی است.»^{۱۰}

این بینش درازمدت و دوراندیشی را آن‌ها در استقرار دموکراسی نیز داشته‌اند. تعبیری که ماهاتیر از دموکراسی در کشور استقلال یافته مالزی داشت از عمق این بینش خبر می‌دهد؛ «مالزی مستقل در تلاش برای گسترش دموکراسی نه تنها به تغییر در ساختار حکومت، بلکه به تغییر در

افکار مردم نیز نیاز داشت.» او در مقاله پویایی شناسی تغییر نشان می‌دهد که چگونه به جای رشد احزاب متفرق و تضادهای بی مورد در دوران گذار به ائتلاف احزاب و حفظ ثبات و در عین حال تبادل آرا و گفت‌وگو میان آنها همت گماشته و راه دموکراسی را به تدریج و با تغییر بافت‌های اجتماعی و فرهنگی و فکری پیموده‌اند. ماهاتیر در فصل «رهبران آسیایی» به بررسی حکومت‌های فعلی کشورهای آسیایی و آسیب شناسی آنها پرداخته و نمایی واقعی از یک جامعه دموکراتیک ارائه می‌دهد. او ضمن شناسایی و معرفی معایب دموکراسی مزایای آن را نیز به خوبی نشان می‌دهد و رفتن به آن سو را اجتناب ناپذیر می‌شمرد.

صدقه

ماهاتیر محمد در رابطه با کاهش فاصله طبقاتی به بررسی و نقد سیاست صدقه دادن پرداخته و می‌گوید: «گرچه صدقه گیرندگان ممکن است خوشنود شوند اما این روش دوام نداشته و از ایجاد ثروت باز خواهد ماند. به نظر او بهترین کار سرمایه گذاری در صنعت است که ثروت و مهارت خلق می‌کند.»

راه طی شده

ماهاتیر محمد با طرح برنامه بی جامع و درازمدت مسیر توسعه مالزی را مشخص کرد و به جای طرح شعارهای کلی و غیرعملی این برنامه را دقیقاً به اجرا گذاشت. از آن روز مالزی در جاده بی افتاد که روز به روز مردم گام به گام پیشرفت را احساس کردند. بنابراین سخت کوشیدند و با دولت همکاری کردند. ماهاتیر محمد طی سخنرانی‌های مندرج در کتاب مزبور رمز موفقیت مالزی و برنامه‌های خود را توضیح داده است که برای ایرانیان که امروز در جستجوی راهی برای ساختن کشورشان هستند بسیار آموزنده و راهگشاست.

مقایسه بی میان وضعیت چهار دهه پیش مالزی با شرایط امروز این کشور به خوبی نشان می‌دهد که در این کشور چه تحولی رخ داده است. در اواخر دهه ۱۹۷۰ نرخ فقر در مالزی ۵۷ درصد بود، اما امروزه این رقم به کمتر از پنج درصد رسیده است.

اقتصاد این کشور در یک دوره ۴۶ ساله، از یک اقتصاد کشاورزی با اندکی ذخایر قلع، به یک اقتصاد صنعتی تبدیل شد که ۸۲ درصد صادرات آن را کالاهای ساخته شده تشکیل می‌دهد. در همین دوره درآمد سرانه این کشور از رقم ۳۰۰ دلار به رقمی بالاتر از چهار هزار دلار افزایش یافت، درحالی که جمعیت کشور از پنج میلیون نفر به ۲۵ میلیون نفر افزایش یافت.

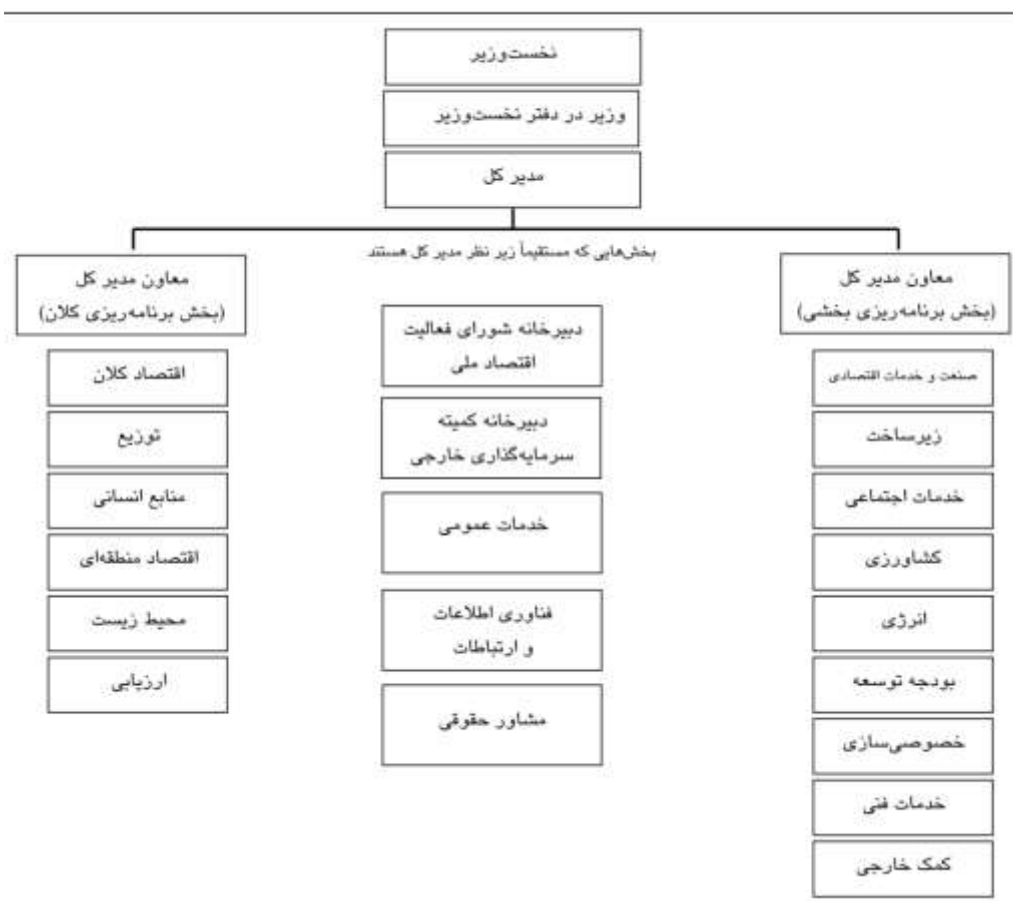
هدف اصلی مالزی از جذب سرمایه گذاری خارجی ایجاد شغل برای مردم کشور بوده، اما این سرمایه گذاری نتایج دیگری نیز در پی داشته است. این سیاست مالزی را از صادرکننده مواد خام نظیر کائوچو، قلع، روغن نخل و نفت به صادرکننده بزرگ کالاهای صنعتی تبدیل کرده است. در سال ۲۰۰۳ جمع صادرات مالزی به ۱۰۰ میلیارد دلار رسید که ۸۲ درصد آن را کالاهای ساخته شده تشکیل می‌داد.

واحد برنامه ریزی اقتصاد EPU

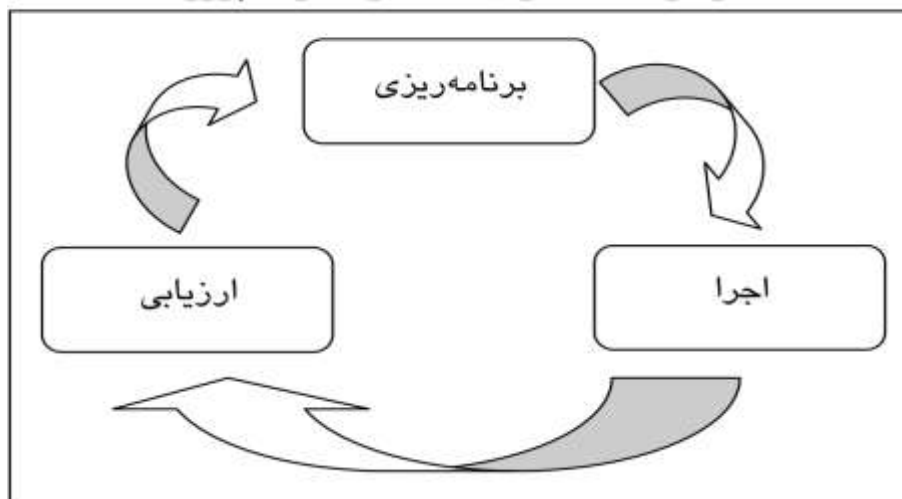
واحد برنامه ریزی اقتصادی، به عنوان دبیر تهیه برنامه‌های توسعه (در محل دفتر نخست‌وزیر) تأسیس شد. وظایف اصلی آن شامل موارد زیر است

- تدوین راهبردها و سیاست‌های توسعه اجتماعی - اقتصادی
- تهیه برنامه‌های میان مدت و بلندمدت توسعه
- تهیه و ارزیابی بودجه توسعه یا هزینه‌های سرمایه‌ای
- نظارت و ارزیابی پیرامون دستیابی به پروژه‌ها و برنامه‌های اجرایی توسعه
- ارائه مشاوره به دولت در خصوص موضوعات اقتصادی

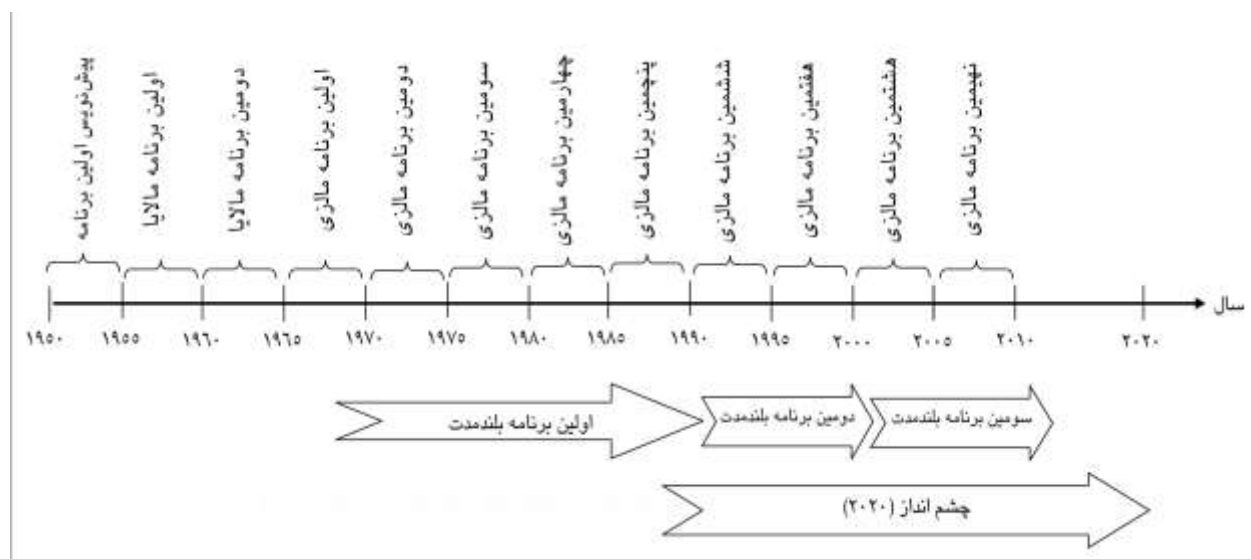
نمودار (1): ساختار سازمانی EPU



نمودار (۲): مفهوم *PIE* در مدیریت پروژه



نمودار مستندات و افق زمانی برنامه ریزی



اولین برنامه توسعه مالزی (۱۹۷۰-۱۹۹۶)

این برنامه با اعتباری معادل ۴.۲ میلیارد رینگیت، هدف افزایش رفاه تمامی شهروندان و بهبود شرایط زندگی در مناطق روستایی به ویژه میان گروه‌های پایین درآمدی را دنبال می‌کرد

دومین برنامه توسعه مالزی ۱۹۷۱-۱۹۷۵

مهم‌ترین تراستهای توسعه این برنامه را می‌توان به صورت زیر خلاصه نمود

- تضمین توزیع مناسب‌تر ثروت
- بهبود توسعه اقتصادی و اجتماعی

➤ تمرکز بر بخش خصوصی به عنوان موتور رشد

➤ تأسیس پتروناس (Petronas)

سومین برنامه توسعه مالزی ۱۹۷۶-۱۹۸۰

مهم‌ترین تراست‌های توسعه آن را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد

➤ کاهش فقر در مناطق روستایی و فقیر شهری

➤ افزایش سهم مالایی‌ها و سایر مردم بومی در اشتغال در معدن

➤ تشویق و حمایت از سرمایه‌گذاری بخش خصوصی

➤ تشویق بکارگیری بیشتر منابع طبیعی و نیروی کار بسیار فراوان کشور

➤ توسعه و گسترش زیرساخت‌های فیزیکی و اجتماعی اقتصاد

چهارمین برنامه توسعه مالزی ۱۹۸۱-۱۹۸۵

مهم‌ترین تراست‌های چهارمین برنامه توسعه مالزی به شرح زیر می‌باشد

➤ توسعه مناطق روستایی.

➤ تدوین سیاست ملی کشاورزی.

➤ تمرکز بر صنایع سنگین نظیر فولاد و صنایع تولید خودرو (تولید پروتون).

پنجمین برنامه توسعه مالزی ۱۹۸۶-۱۹۹۰

از برنامه‌های قبل بلندپروازانه تر بود و با بودجه ۳۵.۳ میلیارد رینگیت آغاز شد این برنامه به‌طور عمده بر صنعتی شدن متمرکز شده

مهم‌ترین تراست‌های توسعه این برنامه عبارت‌اند از:

➤ کاهش سیاست سرمایه‌گذاری

➤ احیاء بخش کشاورزی

➤ تأکید بر تحقیق و توسعه

➤ توسعه سرمایه انسانی

➤ افزایش نقش بخش خصوصی

جدول (۵): شدت فقر در مالزی برحسب مناطق شهری و روستایی در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰

۱۹۹۰		وضع موجود ۱۹۷۰	منطقه
نتایج	اهداف		
۱۵	۱۶/۷	۴۹/۳	کل
۱۹/۳	۲۳	۵۸/۷	روستایی
۷/۳	۹/۱	۲۱/۳	شهری

منبع: دومین برنامه بلندمدت مالزی (۱۹۹۱-۲۰۰۰)

جدول (۶): شدت فقر در مالزی برحسب قومیت در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۹۰

۱۹۹۰	۱۹۷۰	اقوام
۲۰/۸	۶۵	بومی پوترا
۵/۷	۲۶	چینی‌ها
۸	۳۹	هندی‌ها
۱۸	۴۴/۸	سایر گروه‌ها
۱۵	۴۹/۳	کل

منبع: دومین برنامه بلندمدت مالزی (۱۹۹۱-۲۰۰۰)

۱۹۹۱-۲۰۰۰ دومین برنامه بلندمدت

این برنامه تشکیل دهنده دهه اول سند چشم انداز تحت عنوان «مالزی راه آینده»

ششمین برنامه توسعه مالزی ۱۹۹۱-۱۹۹۵

اعتبار این برنامه معادل ۵۴.۷ میلیارد رینگت است

از جمله نکات برجسته این برنامه

✓ شتاب رشد پایدار اقتصادی با تأکید بر توسعه متوازن

✓ آغاز دومین برنامه بلندمدت، استقرار NDP به جای NEP

تدوین چشم‌انداز (۲۰۲۰) برای سه دهه با هدف رسیدن مالزی به یک کشور کاملاً صنعتی

۲۰۰۰-۱۹۹۶ هفتمین برنامه توسعه مالزی

بودجه تخصیصی آن ۹۹ میلیارد رینگیت بوده و اهداف آن عبارت‌اند از

S&T تمرکز بر افزایش استانداردهای

افزایش رشد بالقوه محصول.

دستیابی به دگرگونی ساختاری و توسعه متوازن.

۲۰۰۵-۲۰۰۱ هشتمین برنامه توسعه مالزی

در این برنامه مقدمات و زمینه‌های لازم برای مشارکت بیش از پیش زنان در برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی مالزی فراهم شد. ایده اصلی دولت در زمینه نیروی کار زنان این است که آن‌ها نیز باید آموزش دیده و مهارت‌های لازم را کسب کنند تا نقشی برابر با مردان در اقتصاد داشته باشند.

دولت برای رسیدن به اهداف خود در زمینه افزایش مشارکت زنان دو برنامه یعنی:

برنامه ملی اقدام برای پیشرفت زنان

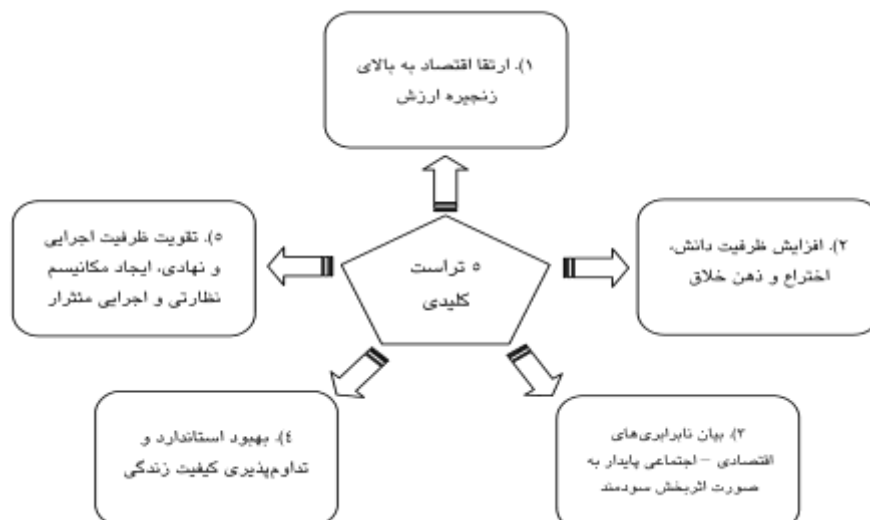
سیاست فراگیر ارتقای جایگاه زنان

نهمین برنامه توسعه مالزی ۲۰۰۶-۲۰۱۰

این برنامه بر محور کشاورزی و با توجه ویژه به توسعه انسانی نوشته شده است

بر همین اساس نیز بیشترین پروژه به تعداد ۴۹۷ مورد به سرمایه‌گذاری در بخش تحصیلات اختصاص یافته است

تراستهای کلیدی برنامه نهم توسعه



سند چشم انداز ۲۰۲۰ مالزی

مالزی کاملاً توسعه یافته نمی‌تواند بوجود آید مگر اینکه بر مسائل استراتژیک و محوری،

که از بدو استقلال با آن روبرو بوده است، غلبه کند

اهداف چشم انداز ۲۰۲۰ مالزی و الزامات آن

هدف آرمانی ۱: عدالت اجتماعی - اقتصادی

هدف آرمانی ۲: ایجاد جامعه ای مرفه

هدف آرمانی ۳: مبارزه با فساد و بهبود نظام مدیریتی

هدف آرمانی ۴: آزادسازی نظام تجاری و سرمایه گذاری خارجی

هدف آرمانی ۵: برقراری سیاست یکپارچه سازی فرهنگی

اقدامات لازم جهت موفقیت چشم انداز ۲۰۲۰ مالزی

۱. تأکید بر بخش خصوصی از اوایل دهه ۱۹۸۰ به عنوان موتور اصلی رشد اقتصادی

۲. تلاش همه جانبه برای شدت بخشیدن به صنعتی کردن کشور

۳. تنوع بخشیدن به بازارهای صادراتی

۴. آزاد سازی اقتصاد مالزی

۵. استقبال از سرمایه گذاری خارجی

۶. کمک به شرکت‌های کوچک و متوسط

۷. ایجاد زیربنای لازم

۸. توسعه منابع انسانی

۹. پایین نگه داشتن سطح تورم

۱۰. مدیریت و اداره نرخ ارز

۱۱. تدوین برنامه اقدام ملی جهت اجرای سیاست تکنولوژی صنعتی

۱۲. بازسازی مناطق روستایی

نتیجه گیری

مالزی در هر دو عرصه فرآیند توسعه یافتگی، یعنی بعد نظری و عملی توانسته است خود را با شاخصهای عقلایی توسعه یافتگی در حد نسبتاً مقبولی هماهنگ نماید و در مجموع هماهنگی نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و تأثیر متقابل آنها بر یکدیگر، موجب به وجود آمدن نظام و ساختاری کارآمد در مالزی شد که در پرتو آن این کشور توانست نیازهای عصر جدید خود را پاسخگو باشد.

منابع

- آشنایی با کشورهای اسلامی (مالزی)/مهدی اسکندریان و.../انتشارات مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار

- www.wiki pedia.org/wiki/malaysia

- مباحث کشورها و سازمان‌های بین‌المللی (مالزی)/محمود مسائلی/انتشارات وزارت امور خارجه

- Hoseinzade.blogfa.com/index.php/dvelopment-malasiya.htm/

- www.vista.ir

- www.iranculture.org

- www.atiyefarinan.org

پی نوشت‌ها:

۱- ماهاتیر محمد، اسلام، دانش و مسائل بین‌المللی، نشر رسا، ۱۳۸۷، ص ۱۳۵

۲- همان، صص ۲۱۱ و ۲۱۲

۳- همان، ص ۲۱۲

۴- همان، ص ۳۲

۵- همان، ص ۵۶

۶- همان، ص ۲۷

۷- همان، ص ۵۷ تا ۵۹

۸- همان، ص ۱۳۰

۹- همان، ص ۱۳۳

۱۰- همان، صص ۱۳۳ و ۱۳